

انتقاد و انتقاد از خود کمونیستی

انتقاد و انتقاد از خود تنها سلاح پرولتاریا و جنبش کمونیستی در مبارزه علیه نفوذ ایدئولوژی و شیوه تفکر خرده بورژوازی در صفوف خود است. به کار نبردن این سلاح به معنی باز کردن تمام درها به روی ایدئولوژی و شیوه تفکر خرده بورژوازی است.

بر زمین گذاشتن این سلاح، بزرگترین قدرت‌های جهانی پرولتاریا را در تقابل با بورژوازی با خاک یکسان می‌کند. در جریان جنگ جهانی دوم ده‌ها هزار کادر و عضو فداکار حزب بلشویک شوروی جانشان را نثار مهاد آزادی زحمتکشان جهان، کشور سوسیالیستی خود کردند. حزب کمونیست در جریان جنگ می‌بایست به طور دائم باز سازی می‌شد. ده‌ها هزار کارگر به عضویت حزب درآمدند. در عین حال عناصر فرصت طلب خرده بورژوازی و به ویژه کولاک زاده‌هایی که ظاهراً از طبقه خود جدا شده بودند، وارد حزب شدند. در آن زمان کنترل ایدئولوژیک بر حزب نمی‌توانست مثل دوران صلح کاملاً برقرار شود. لذا از پائین شیوه تفکر خرده بورژوازی و حرص و طمع کولاک زاده‌ها وارد حزب گردید.

این عناصر برای حفظ موقعیت خود، برای ایجاد امکاناتی در بالا کشیدن خود در حزب می‌بایست محیط اطراف خود را هم‌رنگ خود می‌کردند، زیرا این‌ها نمی‌توانستند و نمی‌خواستند خود را با معیارهای حزب بلشویک نوسازی کنند. به این جهت ابزار و سلاح نوسازی یعنی انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی را مبتذل و پایمال کردند و از برنامه سلول‌های حزبی زدودند.

این کولاک زاده‌ها در وحله اول از اشتباهات خود انتقاد صوری می‌کردند، در مرحله دوم جلوی انتقاد را می‌گرفتند و در مرحله سوم از انتقاد کننده انتقام می‌گرفتند. بسیاری از اعضای وفادار حزب کمونیست اتحاد شوروی توسط این عناصر یا پاکسازی شدند و یا به نوعی بی اثر گردیدند.

با حذف انتقاد و انتقاد از خود، بوروکراسی از پائین در حزب کمونیست اتحاد شوروی رشد کرد. گروه‌های هم منافع به وجود آمدند که «همدیگر را داشتند». این بوروکراسی که دائماً گسترش می‌یافت و به بالای حزب نفوذ می‌کرد، بنیان ایدئولوژیک و سیاسی رشد سرمایه‌داری را به وجود آورد و آن را پرورش داد. استالین این ایدئولوژی و شیوه تفکر را بی رحمانه به نقد میکشید: «اغلب، انتخاب همکاران نه بر مبنای نقطه نظرات عینی، بلکه بر مبنای نقطه نظرات انتقادی، ذهنی و تنگ نظری خرده بورژوائی صورت می‌گیرد. اغلب، به اصطلاح آشنایان، دوستان، هموطنان و آدم‌های مطیع و تمجیدگو از رؤسایشان، برگزیده می‌شوند، بدون در نظر گرفتن شایستگی سیاسی و تخصصی آن‌ها» (ژوزف استالین، درباره کمبود کار حزبی... - انتشارات Dietz، برلن ۱۹۵۴)

رشد بوروکراسی باعث گردید که امکان انتقاد از رهبران توسط توده‌ها از بین برود. این امر باعث گردید که در دل این بوروکراسی رویزیونیسم رشد کند. حزب باید پاکسازی می‌شد. استالین این ضرورت را دریافت. افرادی مثل خروشچف هدف این پاکسازی بودند. ولی آن‌ها پیشدستی گرفتند، استالین را کشتند، به قدرت فائقه در حزب تبدیل شدند و جامعه شوروی در طول زمان به یک امپریالیسم خونخوار و مهاجم استحاله یافت. این سرنوشت تمام احزاب و سازمان‌هایی است که به انتقاد و انتقاد از خود کم بها می‌دهند و آن را به فراموشی میسپارند. نمونه یوگوسلاوی خیلی برجسته است.

«در سال 1941 در لحظه تهاجم آلمان، 12 هزار نفر در حزب کمونیست یوگوسلاوی که مخفی فعالیت می‌کرد، عضو بودند. از این تعداد ۸۰۰۰ عضو در جنگ کشته شدند. تعداد اعضا در جریان مقاومت به ۱۴۰ هزار و در سال ۱۹۴۸ به ۳۶۰ هزار افزایش یافت. ده‌ها هزار عنصر کولاک، بورژوازی و خرده بورژوازی به عضویت حزب درآمدند. (جیمز کلوگمان، از تروتسکی تا تیتو، لاونسه و ویشارت، لندن ۱۹۵۱، صفحه ۱۳) تیتو در مبارزه‌اش علیه کمونیست‌های واقعی هر چه بیش‌تر بر خرده بورژوازی تکیه داشت. حیات داخلی حزب عادی نبود، در صفوف‌اش بحث‌های سیاسی وجود نداشت و نتیجتاً انتقاد و انتقاد از خود مارکسیست لنینیستی انجام نمی‌گرفت. نیروهای رهبری انتخاب نمی‌شدند بلکه انتصاب می‌شدند.» (جیمز کلوگمان، از تروتسکی تا تیتو، لاونسه و ویشارت، لندن ۱۹۵۱، صفحه ۱۳)

ما نمونه‌های گویائی را نیز می‌توانیم در سازمان‌های سیاسی ایران ذکر کنیم. هر کس تا کنون از خط مشی سازمان مجاهدین خلق انتقاد کرده، با مهر جاسوس رژیم جمهوری اسلامی مهور گردیده است. اساساً شیوه برچسب زنی جهت خنثی کردن تأثیر انتقاد، ویژه عناصر سرمایه دار در از میدان به در کردن رقبا در مؤسسات اداری و سیاسی جامعه بورژوازی امپریالیستی است.

متأسفانه این شیوه منحط و فاسد در جنبش کمونیستی ایران نیز نفوذ کرده است. اگر با این شیوه در جنبش کمونیستی و کارگری مبارزه نشود، جنبش کارگری چون لاشه‌ای متعفن توسط کفتاران بورژوازی بلعیده خواهد شد.

هدف انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی، نوسازی و تکامل جنبش کارگری و کمونیستی است. زیرا به طریق علمی هر نظر و سبک کاری را تجزیه و تحلیل می‌کند، ریشه‌ها را بر ملا می‌سازد، کاه را از گندم جدا می‌کند و جاده را برای رشد و تکامل نظریه علمی باز مینماید. به این ترتیب تمام انرژی نهفته در جنبش را برای واژگونی نظم آن لحظه آزاد می‌کند. استالین می‌گوید: «حزب وقتی از انتقاد و انتقاد از خود نترسد، وقتی اشتباهات و کمبودهای کارش را نپوشاند، وقتی بر مبنای اشتباهات کار حزب، کادرها را تربیت کند و آموزش دهد، وقتی این را فهمید، که باید اشتباهاتش را به موقع تصحیح کند، غلبه ناپذیر می‌گردد. حزب وقتی اشتباهاتش را سرپوش نهد، موارد ناسالم را بپوشاند، برای نشان دادن تصویر جعل شده‌ی موقعیت‌های خوب خود، بی‌کفایتی‌هایش را خوش قواره جلوه دهد، وقتی انتقاد و انتقاد از خود را تحمل نکند، وقتی بگذارد از خود راضی بودن در او نفوذ کند، وقتی احساس از خود ممنون بودن را بر خود نثار کند و بر دستاوردهای دیگران لم دهد، نابود می‌شود.» (تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - دوره مختصر)

مائو تسه دون می‌گوید: «انتقاد درون حزبی سلاحی است که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده آن کمک می‌کند...» (مائوتسه دون - اصلاح نظرات نادرست در حزب - ۱۹۲۹)

انتقاد و انتقاد از خود خرده بورژوازی کاملاً شابلونی، ظاهر سازی و مکانیکی است.

حتما به کرات دیده‌اید که رفیقی مسئولیتی را تقبل می‌کند و آن را انجام نمیدهد. در جلسه سازمانی به او انتقاد می‌شود و او انتقاد را می‌پذیرد و حتی شدیداً از خود هم انتقاد می‌کند ولی باز هم مسئولیت خود را انجام نمیدهد. مثل این که یادش رفته است. این نوع انتقاد از خود سطحی بی‌مایه فقط می‌تواند رفقای سازمانی را برای مدتی سرگرم کند. این شیوه از انتقاد یکی از تظاهرات ایندیووالیسم خرده بورژوازیست که سازمان حزبی را با زنجیر به زمین بی‌عملی محکم می‌کند.

در کل جنبش کمونیستی ایران انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی یا به دست فراموشی سپرده شده است و یا لحظه‌ای و مقطعی است.

انتقاد و انتقاد از خود با پروسه فعالیت‌های یک سازمان گره خورده است. اگر سازمانی منفعل باشد، فقط یک انتقاد به آن وارد است؛ این سازمان منفعل است. ولی اگر سازمانی فعال باشد یعنی سیاست خود را فعالانه با پراتیک اجتماعی پیوند دهد، نواقصی در خط مشی و کار سازمان ظهور می‌کند که غیر قابل اجتناب بوده و حتماً باید تصحیح شوند. این تصحیح در پروسه انتقاد و انتقاد از خود صورت می‌گیرد و آن سازمان را نوسازی می‌کند. یعنی انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و اشتباهات تاکتیکی سازمان و اعضای خود را تصحیح می‌نماید تا با قدرت و عمق بیشتری حوادث را به نفع پرولتاریا تغییر و یا سمت دهد.

لذا جریان انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی در یک سازمان مقطعی نیست، یک جریان دائم و پایدار باید باشد. در جنبش کمونیستی ایران بسیار دیده شده است که یک حزب و یا سازمانی خط مشی خود را عوض می‌کند. این سازمان هیچ ضرورتی نمی‌بیند که پروسه این تغییر خط مشی را توضیح دهد. از خود نسبت به اشتباهات خطی گذشته انتقاد کند و بدین وسیله کل جنبش کمونیستی را تکامل ببخشد. همین طور خط عوض می‌کنند، بدون هیچ توضیحی. مثل این که هیچ اتفاقی نیافتاده است.

برای استفاده از تجربیات جنبش‌های اجتماعی، برای جمع‌بندی این تجربیات و تحلیل منطبق با واقعیت هر لحظه باید بین نظرات موجود در یک سازمان برخورد به وجود آید. این برخورد باید خلاق و نتیجه بخش باشد. در چه شرایطی چنین خلاقیت و نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ زمانی که برخورد عقاید یعنی نقد، روشن، شفاف و بدون در نظر گرفتن منافع شخصی و در خدمت تکامل و پیش برد مبارزه انقلابی باشد. بدون چنین برخوردهای انتقادی، نه خط مشی صحیحی شکل خواهد گرفت و نه پیروزی‌ئی در مبارزه متصور خواهد بود. البته وقتی صحبت از انتقاد می‌شود برخی تصور می‌کنند که فقط به دیگران انتقاد وارد است و اگر به خودشان انتقاد شود یعنی نظرآتشان مورد نقد و اصلاح قرار گیرد، بر آشفته شده، نقشه انتقام در مغزشان خلق می‌شود. این اندیشه انتقام جویانه، به برخورد ذهنی و خشن به رفیق انتقاد کننده می‌انجامد و کل فعالیت‌های یک سازمان و یا حوزه‌ای را کاملاً مختل می‌سازد.

جنبش کمونیستی ایران سابقه ۱۰۰ ساله دارد. در مقطعی از این تاریخ اپورتونیزم راست با تمام مفاسد طبقاتی‌اش در شکل حزب توده بر جنبش کمونیستی ایران غالب شد و تأثیر دیرپائی از خود برجای نهاد. در مبارزه علیه راست روی حزب توده، چپ روی در شکل مشی چریکی ظاهر شد.

ضرورت وجود یک حزب کمونیست راستین سراسری برای رهبری انقلاب مسلحانه توده‌ای جهت سرنگونی بورژوازی و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا، ضرورت دامن زدن به انتقاد و انتقاد از خود مارکسیستی علیه جریان‌ات انحرافی را بیان می‌کند.

سلاح انتقاد و انتقاد از خود را در جنبش کمونیستی تفت دهیم و با مبارز علیه نظرات خرده بورژوازی و طرد شیوه تفکر آن، شرایط را برای ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری پرولتاریا فراهم کنیم.

نظم کمونیستی و کمون شماره ۲۲

26.1.1402